

تحليل الدور المحوري للإمام الجواد عليه السلام في نشر التشيع في العصر العباسي^١

مجتبي أحمدى بيداخويدي^٢، علي أكبر دهقاني أشكذري^٣

الملخص

يتناول المقال الحاضر دراسة الدور المحوري للإمام الجواد عليه السلام في نشر وتعميق التشيع في العصر العباسي. في فترة كانت فيها المجتمعات الإسلامية تواجه تحديات فكرية وسياسية متنوعة، اضطلع الإمام الجواد عليه السلام بدور حاسم في الحفاظ على مكانة المذهب الشيعي والارتقاء بها، مستفيداً من الأدوات العلمية والروحانية. هدفت هذه الدراسة، التي صيغت بالمنهج الوصفي التحليلي، إلى تبيان مختلف أبعاد الأنشطة العلمية، والمناظرات الكلامية، وتخرج التلامذة البارزين، فضلاً عن التدابير الحكيمة التي اتخذها الإمام تجاه الحكم آنذاك؛ وهي العوامل التي أسهمت في الانتشار الكمي والكيافي للتشيع. ومن بين المفردات الأساسية التي ركز عليها هذا البحث، يمكن الإشارة إلى "منظمة الوكالة"، والمناظرات مع علماء البلاط العباسي (أمثال يحيى بن أكثم)، وتأثير الإمام في تشكيل الهوية الفكرية للشيعية. تظهر نتائج البحث أن الشخصية الكاريزمية والعلم اللدني للإمام الجواد عليه السلام كانا عاملين جوهريين في نشر معارف أهل البيت عليهم السلام وثبتت مكانة التشيع في أوساط عامة الناس والنخبة الفكرية في ذلك العصر.

المفردات الأساسية: الإمام الجواد عليه السلام، التشيع، العباسيون، نشر التشيع.



مَدِينَةُ الْعِلْمِ

١. تاريخ الاستلام: ١ رجب ١٤٤٧

٢. طالب مرحلة السطح الثاني في مدرسة خان العلمية، يزد، إيران. (الكاتب المسؤول)

Ahmadimojtaba147@gmail.com

٣. أستاذ في المستوى الأول وعضو المجموعة العلمية التربوية، مدرسة مدينة العلم الكاظمية العلمية، يزد، إيران.

Ali21333@yahoo.com



واکاوی نقش محوری امام جواد علیه السلام در گسترش تشیع در عصر عباسی^۱

_____ مجتبی احمدی بیداخویدی^۲، علی اکبر دهقانی اشکذری^۳ _____

چکیده

مقاله حاضر به بررسی نقش محوری امام جواد علیه السلام در گسترش و تعمیق تشیع در عصر عباسیان می‌پردازد. در روزگاری که جامعه اسلامی با چالش‌های فکری و سیاسی گوناگونی روبه‌رو بود، امام جواد علیه السلام با بهره‌گیری از ابزارهای علمی و معنوی، نقشی تعیین‌کننده در حفظ و ارتقای جایگاه مذهب شیعه ایفا نمود. این پژوهش که به شیوه توصیفی تحلیلی سامان یافته، کوشیده است ابعاد گوناگون فعالیت‌های علمی، مناظرات کلامی، تربیت شاگردان برجسته و نیز تدابیر هوشمندانه آن حضرت در مواجهه با حکومت وقت را بررسی کند؛ عواملی که به گسترش کمی و کیفی تشیع انجامید. از جمله کلیدواژگان مورد توجه در این تحقیق می‌توان به سازمان وکالت، مناظرات با علمای درباری (چون یحیی بن اکثم) و تأثیرگذاری امام بر شکل‌گیری هویت فکری شیعه اشاره کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت کارزماتیک و علم لدنی امام جواد علیه السلام، عاملی بنیادین در ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام و تثبیت جایگاه تشیع در میان توده مردم و نخبگان فکری آن عصر بوده است.

واژگان کلیدی: امام جواد علیه السلام، تشیع، عباسیان، گسترش تشیع.



۱. تاریخ دریافت: ۱ دی ۱۴۰۴

۲. ahmadimojtaba147@gmail.com

۲. طلبه سطح دو مدرسه علمیه خان، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. Ali21333@yahoo.com. استاد سطح یک و عضو گروه علمی - تربیتی، مدرسه علمیه مدینه العلم کاظمیه، یزد، ایران.

مقدمه

تاریخ اسلام آکنده از فرازونشیب‌هایی است که هر یک نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و توسعه معارف دینی ایفا کرده‌اند. از جمله دوره‌های برجسته و سرنوشت‌ساز در تاریخ تشیع، دوران امامت امام محمد بن علی جواد الائمه علیه السلام است که با وجود کوتاهی عمر و آغاز امامت در سنّ کودکی، تحولاتی چشمگیر در گسترش مکتب اهل بیت علیهم السلام رقم زد. این دوره تاریخی در بستر شرایط پیچیده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حکومت عباسی شکل گرفت؛ روزگاری که رقابت‌های فکری، نزاع‌های سیاسی و بحران‌های اقتصادی، زمینه را برای تثبیت و تعمیق باورهای شیعی فراهم ساخت.

امام جواد علیه السلام با بهره‌مندی از دانش الهی، مناظرات علمی درخشان، تدابیر سیاسی و فرهنگی و راه‌اندازی شبکه گسترده سازمان وکالت، اثبات کرد که امامت نه تنها مقامی معنوی، بلکه مسئولیتی سنگین برای هدایت جامعه است. این مقاله با هدف بررسی دقیق میزان اثرگذاری امام جواد علیه السلام بر گسترش کمی و کیفی تشیع، به تبیین نقش ایشان در تکامل فکری، اجتماعی و سیاسی این مکتب می‌پردازد.

۱. شایستگی امامت در سن کم و تأثیر آن در گسترش تشیع

یکی از مسائلی که بعدها در مباحث کلامی مربوط به امامت جایگاهی ویژه یافت، این بود که آیا ممکن است کسی پیش از بلوغ به مقام امامت برسد؟ این مسئله از آن هنگام که امام جواد علیه السلام در سال ۲۰۳ ه.ق به امامت رسید، به گونه‌ای جدی‌تر در محافل علمی کلامی امامیه مطرح شد و بعدها در سال ۲۲۰ ه.ق درباره امامت امام هادی علیه السلام و سپس حضرت مهدی علیه السلام نیز ادامه یافت (جعفریان، ۱۴۲۳ق، ص ۶۴۰).

پس از شهادت امام رضا علیه السلام، میان شیعیان در شخصیت امام اختلاف افتاد. گروهی به سوی عبدالله بن موسی - برادر امام رضا علیه السلام - رفتند و از او سؤال‌هایی پرسیدند؛ اما هنگامی که او در پاسخ‌گویی ناتوان ماند، دیری نپایید که او را شایسته امامت ندانستند و از وی روی گرداندند (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۳). شمار دیگری نیز به واقفیان - که بر امامت



مناظره علمی

امام کاظم علیه السلام توقف کرده بودند - پیوستند. به گفته نوبختی، علت پیدایش این اختلاف آن بود که آنان بلوغ را یکی از شرایط امامت می دانستند (نوبختی، بی تا، ص ۹۹).

با توجه به سن کم امام جواد علیه السلام، این آزمایش از سوی شیعیان درباره امامت آن حضرت ضرورتی مضاعف یافت. بر این اساس، در فرصت‌های گوناگون این آزمایش انجام گرفت و پس از آن، اکثریت قریب به اتفاق شیعیان - جز اندکی - با اطمینان خاطر، امامت ایشان را پذیرفتند.

در مجلسی که پیشتر اشاره شد، شیعیان گرد آمدند تا مسئله جانشینی را حل کنند. یونس بن عبدالرحمن - که از شیعیان مورد اعتماد نزد امام رضا علیه السلام بود - گفت: «تا زمانی که این فرزند [امام جواد علیه السلام] بزرگ شود، باید چه کنیم؟» در این هنگام، ریّان بن صلت برخاست و معترضانه گفت: «تو خود را در ظاهر مؤمن به امام جواد علیه السلام نشان می دهی، ولی پیدا است که در باطن در امامت او تردید داری! اگر امامت وی از جانب خدا باشد، حتی اگر طفل یک روزه هم باشد به منزله شیخ است و چنانچه از طرف خدا نباشد، حتی اگر هزار سال هم عمر کرده باشد مانند سایر مردم است» (جعفریان، ۱۴۲۳ق، ص ۶۴۴).

سرانجام در ایام حج، هشتاد نفر از علمای شیعه از بغداد و دیگر شهرها گرد آمدند و عازم مدینه شدند. ابتدا نزد عبدالله بن موسی رفتند؛ اما پاسخ خود را پیش او نیافتند. از این رو از وی روی گرداندند و به حضور امام جواد علیه السلام شرفیاب شدند. آن حضرت به پرسش‌های ایشان پاسخ گفت و آنان از پاسخ‌های وی که نشانه بارزی از امامت و علم الهی بود، شادمان شدند (مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۵۰، ص ۹۹).

این امتحان‌ها و آزمایش‌ها تا بدان جا ادامه یافت که زمینه را برای نشر و گسترش هرچه بیشتر فرهنگ شیعی فراهم آورد و به تبع آن، موجب گسترش تشیع گردید؛ زیرا موفقیت‌های امام در این آزمون‌ها، دیگران را به شگفتی واداشت و همین سبب شد تا مردم به لدنی بودن علم امام پی ببرند. افزون بر این، تبلیغات حکومت وقت علیه امام، موجب شناخته شدن هرچه بیشتر ایشان شد و این خود عاملی دیگر در گسترش تشیع در میان مردم گشت.

۲. مناظرات علمی؛ ابزاری تبلیغی برای گسترش تشیع

مناظره از شیوه‌های مهم و اثرگذار در تبیین و نشر معارف اسلامی است و سابقه‌ای دیرینه در جوامع انسانی به‌ویژه در میان مسلمانان دارد. قرآن کریم به این موضوع بسیار اهمیت داده

و آن را یکی از راه‌های دعوت به حق معرفی کرده است. (نحل، ۱۲۵). مناظره در سیره نبوی و نزد امامان معصوم نیز جایگاهی ویژه داشته و آن بزرگواران برای نشر فرهنگ و اندیشه اصیل اسلامی و اثبات دیدگاه‌های خویش، از مناظره در مسائل گوناگون عقیدتی، کلامی و فقهی بهره می‌بردند. ایشان با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خود، گام‌هایی در این زمینه برداشتند و در برابر فرقه‌های مختلف، با استفاده از شیوه‌های مناسب، در پی تبیین درست معارف الهی و جداسازی حق از باطل بودند. مناظرات علمی اهل بیت علیهم‌السلام نیز یکی از مؤثرترین ابزارهای تبلیغی، معرفتی و کلامی به شمار می‌رود.

این شیوه در عصر امام جواد علیه‌السلام - به‌ویژه به دلیل شرایط خاص دوران امامت آن حضرت - جلوه‌ای برجسته یافت. امام جواد علیه‌السلام با وجود آنکه در سنین کودکی به امامت رسید، در مواجهه با جریان‌های فکری مختلف، به‌ویژه فقیهان وابسته به دربار عباسی، از راه مناظره‌های علمی و فقهی به دفاع از مبانی تشیع پرداخت و عملاً نقشی کلیدی در تثبیت امامت خویش، گسترش نفوذ فکری مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و گسترش تشیع ایفا کرد.

مناظره‌ها در این دوره دو گونه بودند: نخست، جلساتی که از سوی شیعیان و محبان برای یافتن امام راستین در میان مدعیان برگزار می‌شد. این جلسات اغلب به صورت پرسش و پاسخ بود که هرچند برخی آن را در شمار مناظرات می‌آورند، اما به صورت مناظره مصطلح به شمار نمی‌رفت. دوم، مناظره‌هایی که از سوی حکومت، به‌ویژه از سوی مأمون و معتصم (که هم‌عصر حضرت بودند) و با هدف راستی‌آزمایی یا تحقیر و از میدان به در کردن امام جواد علیه‌السلام ترتیب می‌یافت. در گفتار دوم، به این نوع مناظرات که اغراض سیاسی در برگزاری آن دخیل بود، پرداخته خواهد شد.

یکی از دلایل عمده گسترش شیعه و توجه روزافزون به شیعیان، همین مناظرات بودند؛ زیرا سبب شدند تا هر دو گروه شیعه و غیرشیعه به علم امام پی ببرند و برای ایشان مرتبه‌ای بلند در میان فقیهان و عالمان قائل شوند. ایشان گاه با استدلال عقلی، گاه با دلایل نقلی و استناد به آیات قرآن و سیره نبوی، گاه با بهره‌گیری از باورهای مخالفان و برخی اوقات نیز با روش‌های ترکیبی به مناظره می‌پرداختند (مطهری، ۱۳۹۵ ش، ج ۳، ص ۴۳۶). این مهم تا بدان جا پیش رفت که خلیفه نیز خود را شیفته شخصیت حضرت نشان می‌داد و حضرت



توانسته بود برخی از عقاید خود را به مأمون بقبولاند؛ چنانکه تحلیلگران برخی از رفتارهای مأمون را تحت تأثیر فرموده‌های ایشان می‌دانند. مناظره با اشخاص بلندپایه علمی همچون یحیی بن اکثم و شکست آنان چنان بازتابی در جامعه داشت که حتی برخی از تردیدکنندگان در امامت ایشان را شیفته امام جواد علیه السلام کرد (جعفریان، ۱۴۲۳ق، ص ۴۸۹).

مشهورترین مناظره امام جواد علیه السلام، مناظره با یحیی بن اکثم، قاضی القضاة دربار عباسی و از بزرگ‌ترین فقیهان اهل سنت در آن دوران است. این مناظره به فرمان مأمون عباسی و در مجلسی رسمی و عمومی برگزار شد؛ با این هدف که ضعف علمی امام را آشکار سازند و ادعای شیعیان را درباره امامت یک نوجوان بی اعتبار کنند.

یحیی در آغاز مناظره، پرسشی فقهی مطرح کرد که ظاهری ساده داشت اما می‌توانست پاسخ‌دهنده را به خطا بیندازد. او پرسید: «درباره فرد مُحرمی که صیدی را کشته است، چه می‌فرمایید؟» امام جواد علیه السلام بی‌درنگ و با بیانی شفاف و دقیق فرمود: «آیا آن مُحرم، صید را در حِلّ کشته یا در حَرَم؟ عالم بوده یا ناآگاه؟ به عمد کشته یا به خطا؟ بنده بوده یا آزاد؟ صغیر بوده یا کبیر؟ این صید از پرندگان بوده یا از غیر آن؟ از حیوانات کوچک بوده یا بزرگ؟ به قتل آن اصرار داشته یا نه؟ شب بوده یا روز؟ در حج بوده یا در عمره؟»

یحیی در برابر این پاسخ، مات و مبهوت ماند و نتوانست سخنی بگوید. حاضران در مجلس از درایت و علم فوق‌العاده امام شگفت‌زده شدند؛ حال آنکه مأمون به ظاهر قصد تحقیر امام را داشت (مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۵۰، ص ۹۷).

این مناظره نه تنها در همان مجلس، بلکه در سطح گسترده‌ای از جامعه اسلامی، جایگاه علمی و الهی امام جواد علیه السلام را تثبیت کرد. از یک سو، شیعیان دلگرم و مطمئن شدند که امامشان در سنِ خردسالی از علم الهی برخوردار است و از سوی دیگر، بسیاری از غیرشیعیان، برتری علمی مکتب اهل بیت را در مقایسه با فقهای درباری مشاهده کردند. همین امر سبب شد روش مناظره جایگاهی امن برای گسترش تشیع فراهم آورد.

۳. ازدواج امام جواد علیه السلام با دختر مأمون: فرصتی برای شناساندن تشیع

به گفته محدثان و راویان، مأمون خود را شیفته ابوجعفر علیه السلام نشان می‌داد؛ زیرا می‌دید که آن امام با آن سن و سال اندک، در فضل و حکمت و علم و آداب و کمال عقل تا چه اندازه

پیش است؛ به گونه‌ای که هیچ یک از مشایخ هم‌عصر آن حضرت با وی برابری نمی‌کردند. از این رو، دختر خویش را به همسری امام جواد علیه السلام درآورد و در بزرگداشت و اکرام آن حضرت از هیچ کاری فروگذار نمی‌کرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۲).

درباریان با این ازدواج مخالف بودند و مدام می‌گفتند که او (امام جواد علیه السلام) کودکی بیش نیست. پس از این مخالفت‌ها بود که مأمون برگزاری مناظره حضرت با یحیی بن اکثم را ترتیب داد و همان‌گونه که در بخش پیشین بیان شد، همین مسئله دلیل برگزاری آن مناظره بود (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۳).

هرچند امام به سبب شأن و جایگاه رفیع امامت در میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، شناخته شده بودند، اما می‌توان احتمال داد که ازدواج اجباری ایشان با دختر مأمون در میان سایر مسلمانان نیز موجب شهرت حضرت گشت؛ زیرا در برخی بلاد اسلامی مسلمانانی زندگی می‌کردند که با شیعیان سروکار نداشتند و می‌توان تصور کرد که به سبب این ازدواج، شناختی نسبی از حضرت حاصل شد؛ چنان‌که عباسیان از این وصلت احساس خطر کردند و درباره مأمون گفتند که وی قصد دارد خلافت را از عباسیان به علویان منتقل کند. نمونه این نگرانی در موقع خروج حضرت از کوفه رخ داد: هنگامی که امام به همراه ام‌فضل به سوی مدینه حرکت کرد، جمعیت انبوهی برای بدرقه، از جمله عباسیان، به دنبال ایشان به راه افتادند. هنگام نماز مغرب، حضرت پیاده شد و به مسجد درآمد. در صحن مسجد، درخت سدر خشکیده‌ای بود که میوه نداشت. امام جواد علیه السلام کوزه آبی خواست، کنار آن درخت وضو گرفت، برخاست و با مردم نماز گزارد. پس از نماز و نافله و سجده شکر، چون از مسجد بیرون رفت و به آن درخت سدر رسید، مردم دیدند که درخت بارور شده و میوه فراوان دارد؛ همه شگفت‌زده شدند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۹). این ماجرا به خوبی نشان می‌دهد که برخی از کسانی که به مشایعت امام آمده بودند، شیعه نبودند و مشایعت امام به عنوان داماد خلیفه، معرفتی نسبی برای آنان پدید آورد. دیدن این کرامت، شعله‌ای برای شناخت بیشتر امام افروخت و این رویداد به نوبه خود حرکتی برای گسترش تشیع بود. بر پایه آنچه ذکر شد، حضرت از هر موقعیتی برای انتشار علم امامت و تبیین معارف اسلامی استفاده می‌نمود و



مناظره العباسی

نهایتاً موجبات گسترش تشیع را فراهم می‌آورد. درباریان نیز از همین رو بود که از جذب مردم به سوی امام بی‌م داشتند.

مأمون گمان می‌کرد با این ازدواج می‌تواند امام را زیر نظر گیرد و هدف اصلی او از این وصلت آن بود که ام‌فضل، جاسوسی امام را برای او کند؛ یا شاید از موضع‌گیری سیاسی امام جلوگیری نماید. اما امام جواد علیه السلام با حفظ استقلال فکری و سیاسی خود، نشان داد که این پیوند خانوادگی هرگز موجب سازش با ظلم و انحراف عباسیان نمی‌شود. این استقلال، الگویی برای شیعیان در برابر حکومت‌های جور گشت. افزون بر این، این ازدواج نوعی اعتراف ضمنی به جایگاه علمی، اخلاقی و شخصیتی امام بود و باعث شد بسیاری از مردم، به‌ویژه در بغداد و نواحی اهل سنت‌نشین، با نام و شخصیت امام آشنا شوند و احترام بیشتری برای اهل بیت قائل گردند؛ از همین رو، برخی به مذهب شیعه گرایش پیدا کردند.

۴. گسترش علوم دینی از طریق تربیت شاگردان

امام جواد علیه السلام پس از تثبیت امامت خود، برای دفاع از کیان جامعه تشیع دست به اقداماتی اساسی زد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به تربیت یارانی برجسته و شاگردانی سرشناس اشاره کرد؛ کسانی که فرهنگ شیعی را در سرتاسر بلاد اسلامی منتشر ساختند و بدین‌وسیله موجبات حفظ و گسترش تشیع را فراهم آوردند.

برخی از این شاگردان از مناطق مختلف به خدمت امام می‌رسیدند و به فراگیری علوم دینی می‌پرداختند؛ یا با توجه به پرسش‌هایی که برایشان پیش می‌آمد، به امام مراجعه می‌کردند. امام نیز با تشکیل محافل علمی یا از راه نامه‌نگاری به سؤال‌های ایشان پاسخ می‌داد.

با توجه به فضای خفقان‌آور سیاسی اجتماعی حکومت، کنترل شدید فعالیت‌های امام جواد علیه السلام از سوی دربار، حضور دختر مأمون به عنوان جاسوس در منزل حضرت، خردسالی ایشان در آغاز امامت و کوتاه‌بودن مدت امامت نسبت به دیگر ائمه علیهم السلام، شمار شاگردان آن حضرت در برخی کتب رجالی تا ۱۱۶ نفر و در برخی دیگر تا ۱۳۲ نفر برشمرده شده است (قریشی، بی‌تا، صص ۱۲۵-۱۸۷). دانشمند گرانقدر شیخ طوسی نام ۱۱۳ نفر از اصحاب و روایان آن حضرت را ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۰۹ق، صص ۳۹۷) که در میان آنان افرادی زبده سرشناس به چشم می‌خورند، از قبیل: احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی (که از



اصحاب اجماع است و همگان به فقاہت او اعتراف کرده و مرسلاتش را پذیرفته‌اند)، احمد بن اسحاق اشعری (که شیخ و سرور قمیان بود)، زکریا بن آدم قمی (که نزد امام رضا و امام جواد علیهما السلام از ارج و مقامی والا برخوردار بود).

از جمله شاگردان دیگر امام، می‌توان به عبدالعظیم بن عبدالله حسنی اشاره کرد که از محدثان بزرگ بود و مقامی ارجمند در میان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان داشته و دارد. وی به حضور امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام رسیده بود و در زمان امام هادی علیه السلام در شهر ری درگذشت. عبدالعظیم روایات بسیاری از امام جواد علیه السلام نقل کرده و از این روایات معلوم می‌شود که پیوسته با آن حضرت در ارتباط بوده است (عطاردی، ۱۳۶۸ش، صص ۲۹۸-۲۹۹). حجم روایات، منابع مکتوب و میراث علمی یاران آن حضرت، از حرکت فرهنگی و علمی قدرتمند و تأثیرگذار امام جواد علیه السلام راویان و یارانشان در جامعه اسلامی حکایت دارد.

از جمله دیگر یاران، می‌توان به شخصیت‌های درخشان و برجسته‌ای چون علی بن مهزیار، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن خالد برقی و ... اشاره کرد که هر یک در صحنه‌های علمی بسیار خوش درخشیده و دارای آثار ارزنده‌ای هستند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، صص ۷۶-۷۸).

۵. تداوم فعالیت‌های سازمان وکالت

۵.۱. چیستی سازمان وکالت

«وکالت» در لغت به معنای ناتوانی از انجام مستقیم یک کار و اعتماد بر دیگری در آن کار است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۳۶) و در منابع فقهی آن را چنین تعریف کرده‌اند: «واگذاری امری به شخص دیگر تا در حال حیات موکل کاری برای وی انجام دهد، یا ارجاع سامان دادن امری از امور به او برای انجام در زمان حیات» (خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۴۲، کتاب وکالت).

«سازمان وکالت» ناظر به این معناست که در زمان امامان معصوم علیهم السلام، مجموعه‌ی منظم و منسجمی تحت عنوان «وکلا» فعالیت داشتند. افزون بر آن، میان اعضا هماهنگی و برنامه‌ی مشخصی وجود داشت. امام به عنوان حاکم و ناظر بر همه‌ی سازمان و اعضا، وظایف را



هماهنگ و معین می نمود و برای هر منطقه، افراد خاصی را به عنوان وکیل معرفی می کرد. رهبری و مدیریت این سازمان نیز بر عهده امام معصوم بود که وکیلان را تعیین و به شیعیان معرفی می نمود. در مجموع، وکیل اموری را که بر عهده امام است و امام به دلایلی چون دوری از شیعیان قادر به انجام آنها نیست، انجام می دهد و به نوعی در این امور، شأن امام را داراست.

۲. ۵. عوامل تشکیل سازمان وکالت

بسط و گسترش مکتب اهل بیت علیهم السلام، گستردگی سرزمین های اسلامی، پراکندگی جمعیت شیعه و دشواری رفت و آمدها از یک سو، و نیاز مبرم شیعیان به راهنمایان مورد اعتماد برای رفع شبهات و نیازهای عقیدتی و فقهی در دنیایی که آکنده از خطوط و جریان های رنگارنگ سیاسی و مذهبی بود، از مهم ترین دلایل تشکیل سازمان وکالت به شمار می رفت.

همچنین، پیدایش سازمان وکالت همزمان با روی کار آمدن بنی عباس می تواند گویای این نکته باشد که سیاست سرکوب و خفقان بنی عباس و برخورد خشن آنان با علویان، به ویژه ائمه علیهم السلام و پیروانشان، نیز نقش زیادی در شکل گیری این تشکیلات، به ویژه در کم و کیف این شبکه داشته است؛ چرا که ائمه در چنین شرایطی نمی توانستند به راحتی با شیعیان ارتباط برقرار کنند و ایشان را به حضور پذیرند. پذیرش شیعیان از سوی ائمه علیهم السلام و حتی صرف آگاه شدن حکومت از اعتقاد افراد به تشیع، در بسیاری موارد برای شیعیان خطر جانی و دست کم ضرر مالی در پی داشت؛ همان گونه که این امر برای ائمه علیهم السلام نیز بی دردسر نبود. در این جو خفقان و سرکوب، شبکه وکالت که شخصیت های برجسته علمی و مورد اعتمادی در میان آن حضور داشتند، می توانست درصد زیادی از آسیب نبود امکان دسترسی مستقیم و آسان به امام را جبران کند.

جمع آوری سهم امام، خمس، سهم سادات، هدایا و نذورات و رساندن آنها به دست امام یا صرف آنها در موارد تعیین شده از سوی امام، و نیز اداره مستغلات موقوفات ائمه علیهم السلام نیز از دیگر دلایل تشکیل این سازمان بود (دستی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۰۲).

برخی از مهم ترین وکیلانی که نقشی جدی در رشد و تکامل مکتب شیعه امامی و گسترش تشیع داشتند، عبارت بودند از: علی بن مهزیار در اهواز (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۵۳)، ابراهیم بن محمد همدانی در همدان (طوسی، ۱۴۰۹ق، صص ۶۱۱-۶۱۲)، یحیی بن ابی عمران در ری (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۶۹)، یونس بن عبدالرحمن و



ابوعمر و حذاء در بصره (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۱۶؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، صص ۴۸۷-۴۸۸)، علی بن احسان واسطی در بغداد (مسعودی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۳)، علی بن اسباط در مصر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۴)، صفوان بن یحیی در کوفه (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۰۸)، صالح بن محمد بن سهل و زکریا بن آدم در قم (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۰۳؛ نیز نک: مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ج ۱).

۳. ۵. نقش وکلا در گسترش تشیع در بلاد مختلف

یکی از اهداف امام جواد علیه السلام از سامان‌دهی سازمان وکالت، بسط و گسترش فرهنگ ناب شیعی و گسترش تشیع بود. ایشان برای تحقق این هدف، کارگزاران و وکیلانی به مناطق گوناگون در قلمرو بزرگ عباسیان تعیین یا اعزام نمودند؛ از جمله در اهواز، همدان، ری، سیستان، بغداد، واسط، بصره و نیز مناطق شیعه‌نشین چون کوفه و قم. امام جواد علیه السلام در موارد متعددی از این طریق با شیعیان ارتباط داشتند. وکلا مرجع مردم برای رفع پرسش‌ها و شبهات بودند. گذشته از این، خود وکلا در زمان‌های دیگر به بیان و نشر معارف اهل بیت می‌پرداختند و از این رهگذر نیز موجب گسترش تشیع می‌شدند.

۴. ۵. توسعه شبکه وکالت در زمان امام جواد علیه السلام

در سال‌های پایانی زندگی امام جواد علیه السلام، تشکیلات و فعالیت وکلای ایشان بسیار توسعه یافت؛ تا بدان جا که امام به پیروان خود در خراسان که در جنگ خرمیه شرکت کرده بودند، دستور دادند خمس را به صورت مستقیم یا از طریق وکلایشان به وی بپردازند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، صص ۳۴۹-۳۵۰). بر پایه گزارشی دیگر، آن حضرت پس از آگاهی از فرمان معتصم مبنی بر احضار ایشان به بغداد، از نماینده خود محمد بن فرج خواستند تا خمس را به او بدهد (طبرسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۰). از ظاهر این روایات چنین برداشت می‌شود که در دوره امام جواد علیه السلام، برای نخستین بار دستوری صریح بر گرفتن خمس از شیعیان و تعیین موارد مصرف آن صادر شده است. خمس در این دوره، یکی از مهم‌ترین منابع مالی شیعه و ائمه به شمار می‌آمد و عاملی مهم در تقویت بنیه‌های اقتصادی و توسعه تشیع گشت (طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۱۴۱؛ محمدی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۸).



۶. موافقت امام جواد علیه السلام با ورود شیعیان به مناصب حکومتی

امام جواد علیه السلام در راستای نفوذ نیروهای شیعی در ساختار حکومتی بنی عباس برای یاری و گشایش امور شیعیان در مناطق گوناگون، به افرادی چون «احمد بن حمزه قمی» اجازه پذیرش مناصب دولتی داد و او به مقامی والا در دستگاه حکومت دست یافت (پیشوایی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۶۰). تا بدان جا که افرادی چون «نوح بن دراج» که مدتی قاضی بغداد و سپس قاضی کوفه بود، از یاران حضرت به شمار می‌رفتند و فرزندش از وکلای امام بود (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۳۳). همچنین کسانی از بزرگان و ثقات شیعه همچون محمد بن اسماعیل بن بزیع نیشابوری که از وزرای خلفای عباسی به شمار می‌رفت، با حضرت در ارتباط بودند. وی از حضرت پیراهنی درخواست کرد که هنگام مرگ به جای کفن بیوشد و حضرت درخواست او را اجابت نمود و پیراهن خود را برایش فرستاد (مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۷۸، ص ۳۲۴).

حرکت امام جواد علیه السلام در چیش نیروهای فکری و سیاسی، حرکتی کاملاً محرمانه بود؛ تا بدان جا که هنگامی به ابراهیم بن محمد نامه می‌نویسند، به او فرمان می‌دهند تا زمانی که یحیی بن ابی عمران (از اصحاب حضرت) زنده است، نامه را نگشاید. پس از چند سال که یحیی درگذشت، ابراهیم بن محمد نامه را گشود که حضرت در آن به او فرموده بودند: «مسئولیت‌ها و کارهایی که بر عهده یحیی بن ابی عمران بود، از این پس بر عهده توست» (صفر، ۱۴۰۴ق، صص ۲۶۲-۲۶۳). این نشان می‌دهد که حضرت برای گسترش تشیع در دیگر بلاد اسلامی و در فضای خفقان حکومت عباسی می‌کوشید تا کسی از جانشینی نمایندگان وی آگاه نشود و آنان بتوانند پنهانی مسئولیت‌های خود را در راستای حفظ و گسترش شیعیان و کمک‌های مخفیانه به ایشان انجام دهند.

۷. نصایح امام جواد علیه السلام برای تحکیم روابط میان شیعیان

یکی از جنبه‌های برجسته و در عین حال کمتر مورد توجه در سیره امام جواد علیه السلام، توصیه‌ها و راهبردهای تربیتی و اخلاقی ایشان در زمینه تحکیم پیوندهای اجتماعی میان شیعیان است. این رویکرد نه تنها در راستای تربیت فردی مؤمنان و ارتقای اخلاق اسلامی آنان ارزیابی

می‌شود، بلکه در نگاهی کلان‌تر، بخشی از برنامه‌ریزی عالمانه برای تقویت سرمایه‌های اجتماعی جامعه شیعه و زمینه‌سازی برای دوران غیبت نیز تلقی می‌گردد.

یکی از مصادیق روشن این جهت‌گیری، توصیه امام جواد علیه السلام به دیدار، معاشرت و مرادۀ منظم میان شیعیان است. آن حضرت در روایتی می‌فرماید: «دیدار با برادران ایمانی، مایۀ نشاط روحی و شکوفایی عقل است، هرچند اندک و کوتاه باشد.» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۹۴) این روایت، ضمن تأکید بر ارزش روانی و معرفتی تعاملات اجتماعی میان مؤمنان، به نوعی نشانگر نگاه راهبردی امام به انسجام اجتماعی شیعه است؛ انسجامی که در بستری از ارتباط مستمر، همدلی، هم‌فکری و مشارکت فکری و عاطفی تحقق می‌یابد.

از دیدگاه جامعه‌شناسی دینی، شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر هویت مشترک و روابط اعتمادساز، نقشی کلیدی در بقا و رشد گروه‌های دینی ایفا می‌کنند. توصیه امام جواد علیه السلام به ملاقات، دیدار و پیوند مستمر میان شیعیان را می‌توان ناظر به چنین تحلیلی دانست. در جامعه‌ای که فشارهای سیاسی عباسیان امکان تبلیغ آشکار تشیع را محدود کرده بود، تقویت ارتباطات درونی و تشویق به تعاملات معنوی، بستری مهم برای تداوم حیات اجتماعی شیعه و گسترش آرام و تدریجی آن فراهم می‌کرد.

از جمله آثار این راهبرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تقویت همبستگی درونی جامعه شیعی: دیدارها و مراودات منظم، نوعی سرمایه‌ی عاطفی و هویتی در میان شیعیان تولید می‌کرد که در برابر تهدیدهای بیرونی، سپری اجتماعی به شمار می‌رفت.
۲. تثبیت مرجعیت اهل بیت علیهم السلام: تعامل مستمر مؤمنان با یکدیگر، زمینه را برای تبادل آموزه‌ها و روایات اهل بیت فراهم می‌کرد و از تحریف یا فراموشی معارف شیعی جلوگیری می‌نمود.
۳. جذب تدریجی افراد غیر شیعه: پویایی اخلاقی، عقلانیت دینی، صمیمیت رفتاری و شکوفایی فکری حاصل از این ارتباطات، برای ناظران بیرونی جذاب و الهام‌بخش بود و می‌توانست سبب گرایش آنان به مکتب اهل بیت علیهم السلام گردد.



مجلس شورای اسلامی

۴. آمادگی برای عصر غیبت: امام جواد علیه السلام با پیش‌بینی شرایط آینده، در صدد آماده‌سازی جامعه شیعی برای دوره‌ای بود که دسترسی مستقیم به امام معصوم میسر نیست. در چنین دوره‌ای، تنها جامعه‌ای پایدار می‌ماند که روابط درونی‌اش مستحکم و انسجام فکری و رفتاری در آن نهادینه شده باشد.

در مجموع، نصایح امام جواد علیه السلام در حوزه روابط اجتماعی شیعیان نه تنها ناظر به ارتقای اخلاق و عقلانیت فردی بود، بلکه رویکردی دقیق و راهبردی برای تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و هویتی مذهب شیعه در دل جامعه داشت. این عامل، در کنار دیگر روش‌های آن حضرت، نقشی مؤثر در تداوم و گسترش تدریجی تشیع در عصر عباسی ایفا کرد.

۸. سفارش امام جواد علیه السلام به شکل‌گیری کانون‌های اجتماعی شیعی

یکی از نیازهای اجتماعی جامعه تشیع در عصر امام جواد علیه السلام، داشتن مکان‌هایی برای ارتباط بیشتر شیعیان بود. در این زمینه، حضرت با ترغیب شیعیان به زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا، زیارت امام رضا علیه السلام در طوس (ابن قولویه، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۰۳) و زیارت حضرت معصومه علیه السلام در قم (همان، ص ۴۲۳)، و نیز تأکید بر ادامه عزیمت به شهرهای ایران و به‌ویژه قم، از راهبردهای حضرت برای ایجاد کانون‌های اجتماعی شیعی بهره جست. از آنجا که مرکز خلافت به دلیل مسائل امنیتی و خفقان حاکمان عباسی، جایگاهی برای تشکیل کانون‌های اجتماعی نبود و هرگونه تجمعی با سرکوب روبه‌رو می‌شد، امام جواد علیه السلام بر پایه احادیث نیاکان خود دستور دادند شیعیان به مناطق دیگر و به‌ویژه قم مهاجرت کنند (مجلسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵۷، صص ۲۱۴ تا ۲۱۵) تا از فشارهای مأموران حکومت در امان باشند و در سایه امنیت، به مسائل فرهنگی و تبلیغی و نیز گسترش اسلام ناب که همان مذهب حقه تشیع است، پردازند.

از جمله راهبردهای امام جواد علیه السلام برای گسترش شیعه، تأکید بر زیارت قبور ائمه علیهم السلام بود. ایشان در این باره می‌فرمایند: «هر کس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند به واسطه این زیارت، گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌بخشد.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۸۵). این امر سبب نگرانی حکومت شد و رفت‌وآمد شیعیان بیش از پیش مورد توجه مأموران قرار گرفت؛ از این رو، امام برای مقابله با آنان، به طور موقت شیعیان را از زیارت پدر بزرگوارشان



منع می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۴). چه بسا عکس‌العمل متوکل عباسی در تخریب بارگاه امام حسین علیه السلام گواهی بر این ماجرا باشد.

البته در روایتی، امام جواد علیه السلام ثواب زیارت قبر امام رضا علیه السلام را بیشتر از زیارت امام حسین علیه السلام می‌داند و دلیل آن را چنین بیان می‌کنند: «امام حسین علیه السلام را همه مردم زیارت می‌کنند، ولی پدرم (امام رضا علیه السلام) را جز خواص شیعیان زیارت نمی‌کنند.» برتری زیارت امام رضا علیه السلام به اعتبار تبلیغ و ترویج مرام و مکتب شیعی است. می‌توان از کلام حضرت چنین برداشت کرد که برتری زیارت امام رضا علیه السلام بر زیارت امام حسین علیه السلام بدین خاطر است که افراد با مذاهب گوناگون - همچون اسماعیلیان، زیدیان و... - به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند، ولی کسانی که به زیارت امام رضا علیه السلام شرفیاب می‌شدند، افرادی بودند که پیرو مذهب تشیع راستین، یعنی امامیه بودند و به امامت امام رضا علیه السلام باور داشتند. عمل کسی که با زیارت خود به تبلیغ مذهبی می‌پردازد، از نظر امام جواد علیه السلام اسلام حقیقی است. کسی که در زمان امام جواد علیه السلام به زیارت امام رضا علیه السلام می‌رود، در حقیقت در برابر فرقه‌ها و مذاهب دیگر، تشیع اثناعشری را تبلیغ می‌کند و این زیارت زمینه‌ساز تعمیق باورهای شیعیان می‌شود. به همین سبب، این عمل به حفظ و گسترش تشیع می‌انجامد. گواه دیگر این مدعا، وجود شمار بسیاری از مبلغان و ترویج‌دهندگان تشیع در بلاد اسلامی و وجود با برکت صدها امامزاده در قم و دیگر شهرهاست که هر یک از آنان در زمان حیات خود، کانون‌هایی برای اجتماع شیعیان تشکیل می‌دادند (ویسی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۸).

۹. بخشش و اعطای هدایا و تأثیر آن بر گسترش تشیع

یکی از روش‌های مؤثر در سیره اهل بیت علیهم السلام برای تعمیق باورهای دینی و گسترش مکتب تشیع، سخاوت و پرداختِ صلّه و هدیه در موقعیت‌های راهبردی و هوشمندانه بوده است. امام جواد علیه السلام نیز به‌عنوان نهمین امام شیعیان، ادامه‌دهنده این سنت مبارک بود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۹۵)؛ سنتی که در کنار بُعد اخلاقی و انسانی، از جایگاهی عمیق در منظومه تربیتی، تبلیغی و اجتماعی اهل بیت علیهم السلام برخوردار است.

نگاهی به منابع روایی و تاریخی نشان می‌دهد که امام جواد علیه السلام همانند پدران بزرگوار خود، در موقعیت‌های گوناگون به پرداختِ صلّه، کمک مالی، هدایای گران‌بها یا حمایت



مالی از افراد خاص می‌پرداخت. این افراد طیف‌های گوناگونی را دربر می‌گرفتند: از شیعیان نیازمند و درگیر در نزاع‌های مالی گرفته تا نخبگان علمی، شاعران، علویان و حتی تازه‌شیعیان. در برخی موارد، این هدایا صرفاً کمک معیشتی نبود، بلکه ابزاری برای تألیف قلوب، تقویت هویت شیعی، حمایت از جریان فرهنگی و بازدارندگی در برابر انحرافات به شمار می‌رفت. چنین نگاهی به بخشش، نشان‌دهنده رویکردی نظام‌مند و هدفمند در مدیریت اجتماعی جریان شیعه است.

از جمله نمونه‌های مشهور، تقدیر و اعطای صله به دعبل خزاعی، شاعر ولایتمدار اهل بیت علیهم‌السلام است. دعبل با سرودن اشعاری حماسی، عاطفی و اعتقادی، نقش مهمی در زنده نگه داشتن فرهنگ ولایت و افشای چهره عباسیان ایفا کرد. امام رضا علیه‌السلام در زمان خود، پیراهن شخصی خویش را به وی اهدا نمود (مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۴۹، ص ۲۴۰) و امام جواد علیه‌السلام نیز همین مسیر تقدیر از نخبگان فرهنگی شیعه را تداوم بخشید. برخی منابع، لقب «جواد» را برگرفته از همین سیره مستمر بخشش‌گری و کرم آن حضرت دانسته‌اند (حسینی عاملی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۴۹۵).

سیره اعطای هدیه و صله در سیره امام جواد علیه‌السلام، فراتر از یک رفتار اخلاقی یا نوع‌دوستانه، دارای کارکردهایی استراتژیک در تقویت و گسترش مذهب تشیع بوده است. مهم‌ترین ثمرات این رویکرد به شرح زیر است:

الف) استحکام دل‌های شیعیان و حفظ ارتباط عاطفی با امام: در روزگاری که ارتباط مستقیم با امام برای بسیاری از شیعیان دشوار بود و تهدیدهای سیاسی فراگیر عباسیان بر جامعه سایه افکنده بود، احسان امام نوعی نشانه توجه ایشان به شیعیان تلقی می‌شد. این رفتارها، احساس هویت و پیوستگی شیعیان به امام را تقویت می‌کرد و نوعی دلگرمی و اعتماد به رهبری معنوی شیعه پدید می‌آورد.

ب) تألیف قلوب و جذب گروندگان تازه‌وارد: در برخی موارد، امام جواد علیه‌السلام از هدایا و حمایت‌های مالی برای تألیف قلوب افرادی که تازه به تشیع گراییده بودند یا در آستانه پذیرش آن قرار داشتند، بهره می‌برد. این روش دقیقاً منطبق با آموزه قرآنی تألیف قلوب (توبه، ۶۰) بود و نشان‌دهنده درک عمیق امام از وضعیت روانی و اجتماعی انسان‌هاست.



ج) حمایت از نخبگان تأثیرگذار (همچون شعرا و مبلغان): امام جواد علیه السلام همانند امامان پیش از خود، از شاعران متعهدی مانند دعبل خزاعی به‌عنوان رسانه‌های فرهنگی آن دوران حمایت می‌کرد. در عصری که رسانه‌های رسمی در اختیار خلافت عباسی و در جهت تخریب چهره اهل بیت علیهم السلام بودند، حمایت از شعرا و مبلغان شیعی، به‌منزلهٔ ایجاد و تقویت جریان‌های مستقل فرهنگی به نفع تشیع بود. اشعار این شاعران در مجالس عمومی، مساجد و حتی در محافل اشرافی بازگو می‌شد و به صورت غیررسمی، پیام تشیع را به گوش مردم می‌رساند.

د) حل اختلافات و بحران‌های مالی درون جامعهٔ شیعی: از دیگر آثار این سیره، کمک به کاهش تنش‌ها و اختلافات مالی میان شیعیان بود. گاه امام با پرداخت صله یا مساعدت مالی، درگیری‌های میان شیعیان را رفع می‌کرد و مانع از فروپاشی روابط اجتماعی در درون جامعهٔ شیعی می‌شد. این اقدام، ضمن تقویت انسجام اجتماعی، الگویی عملی از عدالت و اصلاح میان مؤمنان ارائه می‌داد.

نتیجه‌گیری

مطالعهٔ تاریخ تشیع در عصر امام جواد علیه السلام نشان می‌دهد که این دوره، نقطهٔ عطفی در فرآیند تثبیت و گسترش مذهب اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود. هرچند دوران امامت ایشان با محدودیت‌هایی همچون سن کم، فشارهای سیاسی دستگاه خلافت و عمر نسبتاً کوتاه همراه بود، اما نگاهی دقیق به تحولات این دوره نشان می‌دهد که آن حضرت با بهره‌گیری از شیوه‌های هوشمندانه و تدابیری خاص، توانست تحولی بنیادین در مناسبات فکری و اجتماعی شیعه ایجاد کند.

در این میان، شخصیت علمی امام جواد علیه السلام و مناظرات دقیق و عمیق ایشان با فقیهان درباری، به‌ویژه مناظرهٔ تاریخی با یحیی بن اکثم، نقشی تعیین‌کننده در تثبیت امامت حضرت و افزایش گرایش عموم به مذهب شیعه ایفا کرد. این مناظرات نه تنها در سطح نخبگان علمی، بلکه در میان تودهٔ مردم نیز به تعمیق باور به جایگاه علمی اهل بیت انجامید و به یکی از مؤثرترین ابزارهای گسترش تشیع در آن دوران تبدیل گشت.

تشکیل و تقویت شبکهٔ وکالت نیز دیگر ابزار راهبردی امام جواد علیه السلام بود. این شبکهٔ منسجم، ضمن ایجاد پیوند میان امام و شیعیان در مناطق مختلف، امکان سازماندهی دینی، پاسخگویی



مناظرهٔ علمی

فقهی و حتی هدایت مالی شیعیان را فراهم کرد. وکلا با حضور در شهرهای کلیدی، به ویژه در نقاط دور از مرکز خلافت، عملاً بازوان اجرایی حضرت در گسترش فرهنگ شیعی بودند. از دیگر راهبردهای کلیدی امام جواد علیه السلام می توان به تربیت شاگردان علمی، تأکید بر زیارت قبور ائمه، بهره برداری از فرصت های سیاسی مانند ازدواج با دختر خلیفه، استفاده از فضای باز علمی دوران مأمون، نفوذ در ساختار حکومتی، بخشش و اعطای هدایا و سفارش به راه اندازی کانون های شیعی اشاره کرد. این عوامل، همراه با چالش های بیرونی مانند اوج گیری جریان های فکری معتزله، زمینه را برای تثبیت مرجعیت فکری و اجتماعی شیعه فراهم ساختند.

پیشنهادها

پیشنهاد می شود برای پژوهش های آینده، مباحث زیر مورد بررسی قرار گیرد:

۱. مطالعه تطبیقی سازمان وکالت در دوره امام جواد علیه السلام با سایر ائمه: بررسی ساختار، مناطق پوشش، کارکرد و تحولات این شبکه در مقایسه با زمان امام صادق و امام هادی علیه السلام.
۲. تحلیل اجتماعی مخاطبان مناظرات امام جواد علیه السلام: شناخت لایه های مختلف مردمی، نخبگان یا حتی مخالفانی که از طریق این مناظرات جذب معارف شیعی شدند.
۳. بررسی تأثیرات روان شناختی و فرهنگی ازدواج امام جواد علیه السلام با دختر مأمون بر جامعه اسلامی آن روز: آیا این اتفاق نوعی مشروعیت عمومی برای امام ایجاد کرد؟ چه تأثیری بر نگاه اهل سنت و سایر مذاهب داشت؟

منابع و ماخذ

* قرآن کریم.

کتاب

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (بی تا). مناقب آل ابی طالب (مصحح: هاشم رسولی). قم: نشر علامه.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (تحقیق: هارون عبدالسلام محمد). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.



٣. ابن قولويه، جعفر بن محمد. (١٣٦٥ش). كامل الزيارات (تصحیح: عبدالحسين اميني). نجف: دار المرتضوية.
٤. پيشواي، مهدي. (١٣٩٧ش). سيرة پيشوايان. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٥. جعفریان، رسول. (١٤٢٣ق). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه عليه السلام (چاپ ششم). قم: نشر انصاریان.
٦. حسینی عاملی، سید جعفر مرتضی. (١٣٦٥ق). الحیاه السیاسیه للإمام الجواد عليه السلام (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
٧. صفار، محمد بن حسن. (١٤٠٤ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليه السلام (تصحیح: محسن بن عباسعلی کوجه باغی). قم: مکتبه آیت الله مرعشی النجفی.
٨. طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). اعلام الوری بأعلام الهدی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
٩. طوسی، محمد بن حسن. (١٣٦٤ش). تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید (تصحیح: محمد آخوندی). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
١٠. _____ . (١٤١٤ق). الأملی (تحت اشراف: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی). قم: دار الثقافة.
١١. عطاردی، عزیز الله. (١٣٦٨ش). مسند الإمام الجواد أبي جعفر محمد بن علي الرضا عليه السلام. مشهد: المؤتمر العالمي للإمام رضا عليه السلام.
١٢. قریشی، باقر شریف. (بی تا). حیاة امام محمد الجواد عليه السلام. بی جا: بی نا.
١٣. قطب راوندی، سعید بن هبة الله. (١٤٠٩ق). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه امام مهدي عليه السلام.
١٤. کشی، محمد بن عمر. (١٤٠٩ق). اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی) (تحقیق: محمد بن حسن طوسی). مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
١٥. کلینی، محمد بن یعقوب. (١٤٠٧ق). الکافی (تصحیح: علی اکبر غفاری). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
١٦. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (١٤٠٩ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام (تحقیق: ابراهیم میانجی و دیگران). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
١٧. مسعودی، علی بن حسین. (١٤٠٩ق). مروج الذهب و معادن الجوهر (محقق: یوسف اسعد داغر). قم: دارالهجرة.



۱۸. مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۱۷ق). اثبات الوصیة لامام علی بن ابی طالب علیه السلام. قم: نشر انصاریان.
۱۹. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام). قم: نشر المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید.
۲۰. موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۷۹ش). تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی (تحقیق: موسی شبیری زنجانی). قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. نوبختی، حسن بن موسی. (بی تا). فرق الشیعه (چاپ دوم). بیروت: دار الاضواء.

مقالات

۲۳. دشتی، محمد. (۱۳۸۴ش). «نقش سیاسی سازمان وکالت در عصر حضور ائمه علیهم السلام». فصلنامه فرهنگ و جهاد، سال دهم، شماره چهارم.
۲۴. محمدی، رمضان. (۱۳۹۴ش). «وضعیت شیعیان در دوران امام رضا و امام جواد علیهم السلام». مجله سخن تاریخ، شماره بیست و دوم.
۲۵. مطهری، حمیدرضا. (۱۳۹۵ش). «روش شناسی مناظره های امام جواد علیه السلام»، مجموعه مقالات همایش ابن الرضائین علیهم السلام (جلد ۳).
۲۶. ویسی، صالح. (۱۳۹۷ش). «نقش امام جواد در گسترش تشیع». مجله اسلام پژوهان، شماره نهم.

